

تصحیح متنون

فصل اول: پیشینه نقد و تصحیح متون

- قدیم ترین مورد، تحقیقات فضای مکتب اسکندریه است؛ به ویژه آریستارکس (متوفی در ۲۰۰۰ ق م) از ادبای یونان قدیم است، وی در نقد و تصحیح نسخ ایلید و اودیسه رنج فراوان برد. غیر از آریستارکس دو تن دیگر از فضلاء اسکندریه به کار نقد متون عنایتی ورزیدند که هر دو نیز بر وی از حیث زمان مقدم بوده اند. زنودوت اهل افسوس و رئیس کتابخانه معروف اسکندریه بود و دیگری آریستوفانس اهل بیزانس و کتابدار کتابخانه اسکندریه بود.

پیشینه تصحیح متون در تمدن اسلامی

- در تمدن اسلامی، از سده ۳ ق، اندیشه تصحیح و تنقیح آثار گذشتگان تداول یافت. نخستین مترجمان جهام اسلام، به نحوی به تصحیح و تنقیح آن ترجمه ها هم می پرداختند. المجسطی را سهل بن ربان الطبری به عربی ترجمه کرد. همین ترجمه را حنین بن اسحات و سپس محمد البتانی (م ۳۱۶ ق) تصحیح و تنقیح کردند.
- در جهان اسلام، میان فضلا و دانشمندان، در زمینه برخی از شعب علوم، مانند علوم قرآن و حدیث و اخبار و بعضا علم لغت، سنتی مطرح بود که به نحوی به تصحیح متون شباهت دارد و طالبان علم نسخه هایی از کتاب های تفسیر و حدیث و لغت را به نزد مؤلفان آن ها یا به نزدیک دانشمندان مفسر و حدث و لغوی قرائت می کردند و نسخه ها را مضبوط می نمودند و آن گاه از استاد اجازه روایت یا تدریس آن ها را می گرفتند.

- علاوه بر سنت مزبور، که در تعلیم و تعلم در مراکز آموزشی عالم اسلام رواج داشت، وراقان و نسخه نویسان و فضلاى هر دوره ای از طریق مقابله نسخه ها به اصلاح کتاب ها می پرداختند.
- اشارات زیادی در نگارش های فارسی و عربی هست که حاکی از توجه گذشتگان به تصحیح نسخه های خطی است؛ هر چند که تصحیح متون را به منزله یک فن و به صورت انتقادی و امروزینه آن به نزد آنان توجیه نمی کند.

پیشینه تصحیح متون در سده نهم هجری قمری

- در قرن ۹ ه ق، به روزگار بایسنغر، در هرات و شیراز و دیگر مراکز سیاسی آن عهد، بسیاری از فضلا و کاتبان ذوق نقد و تصحیح متون را، هرچند نه به شیوه علمی آن، داشته اند. در همین دوره است که شاهنامه فردوسی مقابله می شود و به نسخه شاهنامه بایسنغری شهرت می یابد.
- عبدالله مروارید (متوفی ۹۲۲ ه ق) با جمعی از اهل فضل، به توصیه ی فریدون حسین میرزا ابن سلطان حسین میرزا بایقرا (۹۱۵ ق)، دیوان حافظ شیرازی را تصحیح نمود.
- شرح هایی در این دوره و پس از آن بر مثنوی معنوی نوشته اند و شارحان به تقدیم و تاخیر ابیات در نسخه ها یا الحاقی بودن آنها و نیز ضبط های مختلف برخی از واژه ها در نسخ مختلف اشاره کرده اند.

تصحیح در دوره صفویه

- در عهد صفویان ، نهضت احیا و تصحیح نگارش های شیعی فزونی گرفت. صائب تبریزی که دیوان های مختلف، چونان کلیات شمس ، را استنساخ کرده، گاه، به مقابله و اصلاح آن ها نیز همت گماشته است؛ چنان که خمسه نظامی گنجه ای را، که نسخه ای کهن از آن را در دست داشته، بر اساس چند نسخه مقابله و تصحیح کرده و اختلاف نسخه ها ، اعم از واژه ها و ابیات الحاقی آن ها، را در حواشی افزوده است و علاوه بر آن برخی از مشکلات لغوی کتاب را توضیح داده است.

پیشینه تصحیح متون در هنر

- شبه قاره هندوستان در سده های ۱۱ تا ۱۳ ق از مراکز با اهمیت در خصوص تصحیح کتاب های خطی فارسی به شمار می رفت. مثلا عبداللطیف عباسی (متوفی ۱۰۴۸ یا ۱۰۴۹ ق) را در نظر آریم که حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی را بر اساس چندین نسخه خطی تصحیح و تدوین کرد و مثنوی مذکور را در شصت هزار بیت فراهم آورد و نسخه ای از مثنوی معنوی را فراهم آورد که بر اساس بیش از هشتاد نسخه خطی مهیا شده بود. اما این تصحیحات هرگز شیوه ای علمی و انتقادی نداشت. نسخه مصحح عبداللطیف عباسی از مثنوی نیز بر اثر همین کثرت نسخ و ناآشنایی با مراحل علمی نسخه شناسی مشحون از تصحیحات نادرست و الحاقات بی وجه و تقدیم و تاخیرهای ناموجه در توالی ابیات گردید.

شیوه نقد و تصحیح متون میان ادیبان و شارحان شبه قاره به همین صورت دایر بود تا آن گاه که انگلیسی ها به هندوستان پای گذاردند و چون مستشرقان آن ها به سرزمین آمد و شد پیدا کردند شیوه چاپ کتاب های خطی فارسی و تحقیق در آن ها تغییر و تحولی یافت. مستشرقانی که هم زمان با کمپانی هند شرقی به هند رفته بودند به غرض تهیه برخی از کتاب های آموزشی در مراکز دانشگاهی، که خودشان آن ها را اداره می کردند، برخی از کتاب های خطی فارسی را با توجه به شیوه های نقد و تصحیح متون و نقطه گذاری رایج در اروپا تصحیح و چاپ کردند. علاوه بر شبه قاره، در بخارا و ماوراءالنهر نیز فضلالی فارسی زبان به نقد و تصحیح متون بر مبنای ذوقیاتشان و گاه با توجه به ضبط نسخ ها می پرداختند.

تصحیح و احیای نسخ خطی در دوره قاجار

- مصححان ایران عصر قاجار نیز در احیای نسخ خطی نگارش های فارسی سهمی به سزا داشتند. بررسی متونی که به اهتمام این دسته از فضلاء ایران در عصر قاجار به چاپ رسیده مؤید این نکته است که آنان در تصحیح کتاب های خطی مقلد و متأثر از روش ادیبان و فاضلان شبه قاره هندوستان بوده اند؛ یعنی قواعد و موازین نسخه شناسی و ضبط نسخه ها را رعایت نمی کردند و از نشان دادن نسخه ها و اختلافات آن ها غافل بوده اند.

مستشرقان و نسخه پژوهان غربی

- اسلوب نقد و تصحیح متون، که در سده ۱۹ به همت کارل لاخمان - با تصحیح دقیقی از عهد جدید، به سال ۱۸۴۳ م، و آثار لوکرسیوس، به سال ۱۸۵۰ - عرضه شد، تحولی شگرف در نقد و تصحیح نگارش های عربی و فارسی به وجود آورد. نسخه شناسانی چون اته، استوری، و فلوگل و مصححانی چون لسترنج ، ادوارد براون، فریتز مایر، هلموت ریتر ، ی ۰۱۰ برتلس، فلکس تاور، پاول هرن، پطروشفسکی، و چند تن دیگر به نقد و تصحیح نسخ خطی فارسی اهتمام کردند.
- هم زمان با مساعی و کوشش های مستشرقان در مغرب زمین، مرحوم علامه محمد قزوینی به پاریس رفت و همراه ایران شناسانی چون ادوارد براون به تصحیح و تحشیه لباب الالباب عوفی پرداخت و نیز به تن خویش جهانگشای جوینی را با دقت بسیار و با روش انتقادی نقد و تصحیح متون، که در مغرب زمین در زمینه نگاشته های اسلامی به زبان های عربی و فارسی تداول یافته بود، تحقیق و تصحیح کرد.

مصححان ایرانی و روش های آن ها در تصحیح

- ستاد بدیع الزمان فروزانفر و استاد سید محمد مشکوه به شیوه ها و روش های نوین در تصحیح متون علاقه ای بیشتر داشتند و کسانی چون استاد جلال الدین همایی با توجهی که به اسلوب نوین نشان می داد از سنت دیرینه نقد و تصحیح متون هم چندان فاصله ای نگرفت.

فصل دوم: گردآوری و ترتیب نسخه ها

• الف- گردآوری

۱. چون بخواهیم یکی از متون قدیمی را بررسی کنیم، در درجه اول باید تا حد امکان برای شناختن نسخه های متعددی که گاهی به صورت پراکنده در کتابخانه هاب جهان یافت می شود اقدام کنیم.

۲. این کار با رجوع به کتاب بروکلیمان GAL و ضمائم آن امکان پذیر است. اگر این کتاب برای حل مشکل کافی نباشد، بهتر است به فهرست مخطوطات کتابخانه هایی که اطلاع از آنها برای بروکلیمان ممکن نشده، رجوع شود.

۳. پس از آنکه محل نسخه ها رو شناختیم بایستی نسخه های موردنیاز را برگزینیم و از آنها عکس بگیریم.

۴. از نسخه هایی که در کتابخانه های فهرست نشده یافت می شود بایستی اول عکس گرفته شود و سپس مورد بررسی واقع گردد.

ب- ترتیب نسخه ها

ترتیب نسخه ها به شرح ذیل است:

۱. بهترین نسخه ای که برای تصحیح و نشر بایستی متن قرار گیرد، نسخه ای است که به وسیله خود مؤلف کتابت شده باشد.

۲. پس از دست یافتن به نسخه مؤلف باید تحقیق کنیم که مؤلف کتابش را در یک مرحله تألیف کرده یا در چند مرحله ، تا مطمئن شویم نسخه ای که در اختیار ماست، آخرین شکلی که مؤلف برای کتاب خود وضع کرده می باشد.

۳. پس از نسخه مؤلف نوبت به نسخه ای می رسد که مؤلف آن را پس از کتابت دیگران خوانده است، یا آنکه برایش خوانده شده و مؤلف با خط خود اعتراف کرده که نسخه را خوانده یا برایش خوانده اند .

۴. آنگاه نوبت به نسخه ای می رسد که از نسخه مؤلف نقل شده یا آنکه با آن مقایسه و مقابله گردیده است.

۵. نسخه ای که در زمان حیات نویسنده کتابت شده و دارای تعلیقات و حواشی دانشمندان باشد.

۶. نسخه ای که در روزگار مؤلف کتابت شده و فاقد این تعلیقات باشد.

۷. نسخه های دیگری که پس از درگذشت مؤلف کتابت شده .

این نسخه ها بر دو دسته اند: قدیم و جدید، که قدیم بر جدید مقدم است، و آنچه دانشمندی استنساخ کرده باشد یا برای دانشمندی قرائت شده و مورد تأیید واقع شده باشد برتری دارد.

گاهی چند حالت پیش می آید، یکی آنکه به نسخه جدید صحیح و دقیق تری برمی خوریم که بر نسخه قدیمی ای که در آن تصحیف و تحریف شده باشد برتری دارد، دیگر آنکه به نسخه بسیار متأخری بر می خوریم که مستقیماً از روی نسخه مؤلف یا از روی نسخه معاصر مؤلف یا غیر از این موارد خاص، به شکلی نیکو نسخه برداری شده است.

اگر به نسخه مؤلف دست نیافتیم باید هدف از تحقیق، رسیدن به نزدیکترین شکلی باشد که مؤلف آن را تألیف کرده است و از تصحیف و تحریف برکنار است، زیرا بطور کلی هر چه تاریخ تحریر نسخه خطی از روزگار مؤلف دور شود تحریفات نسخه برداران در آن افزون می گردد.

ج - دسته بندی

- بعضی کتابها با گذشت زمان مورد قبول همگان واقع شده و در نتیجه نسخه های خطی آن افزون گردیده است. در این نسخه های متعدد گاهی دیده می شود که سه نسخه یا بیشتر و کمتر، در اشتباهات یا پاورقی یا کم و زیادی متن بسیار شباهت دارند که از اصل واحدی نقل گردیده است. در چنین مواردی نسخه های متشابه را دسته بندی می کنیم و برای هر دسته حرفی به علامت اختصار تعیین می کنیم، مانند (دسته الف، دسته ب، دسته ج) و از هر دسته نسخه ای برمی گزینیم تا هنگام ثبت اختلاف نسخه ها، مورد استشهاد واقع شود.

بررسی متن:

از مهم ترین مباحث نسخه شناسی که از قدیم الایام مورد توجه کتاب شناسان قرار داشته، نوع خط دست نوشته ها و مخطوطات بوده است. خطوط اصلی موجود در آثار و کتب خطی رایج در ممالک اسلامی عبارتند از: کوفی، نسخ، ثلث، محقق، ریحان، رقاع، توقیع، تعلیق، شکسته تعلیق، نستعلیق، شکسته نستعلیق و سیاق.

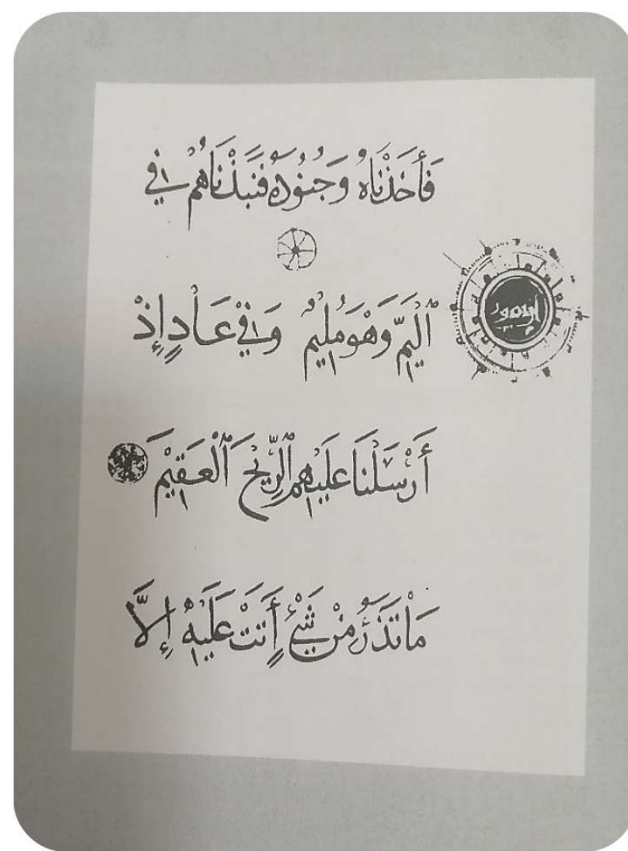
• کوفی:

آغاز نگارش و کتابت در جهان اسلام با ظهور اسلام همراه بود. از همان ابتدا تا حدود سه قرن، خط رایج

خط

• نسخ:

بی شک شایع ترین خط در نسخه نویسی در بین اقلام سته (ثلث، محقق، ریحان، نسخ، توقیع و رقاع) که به تدریج در قرن چهارم مورد توجه بیشتری قرار گرفت، خط نسخ بوده است. این خط که به علت سهولت در نوشتن، نزد مولفان و کاتبان مقبولیت یافت و ناسخ سایر خطوط گردید و از همین رو به خط نسخ شهرت یافت.



خط

• نستعلیق:

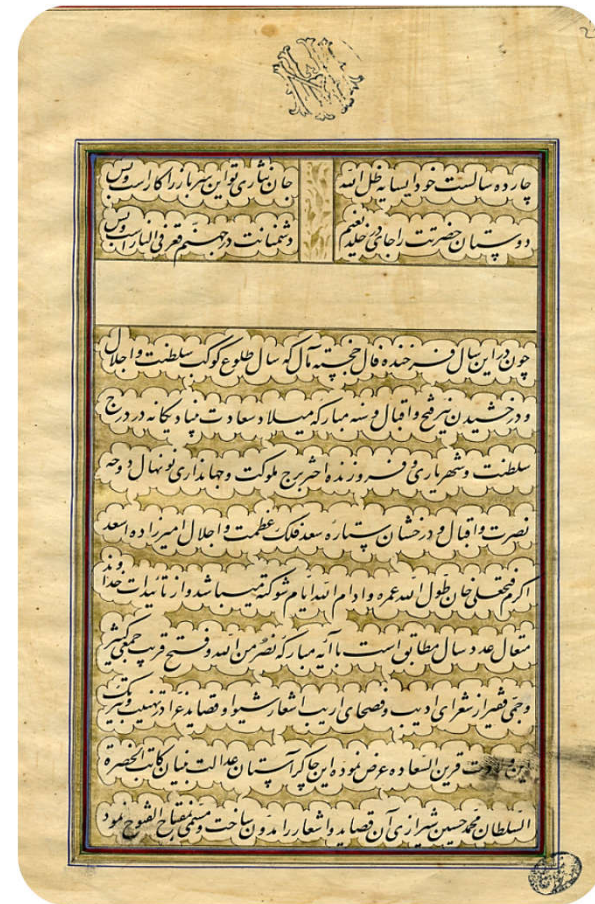
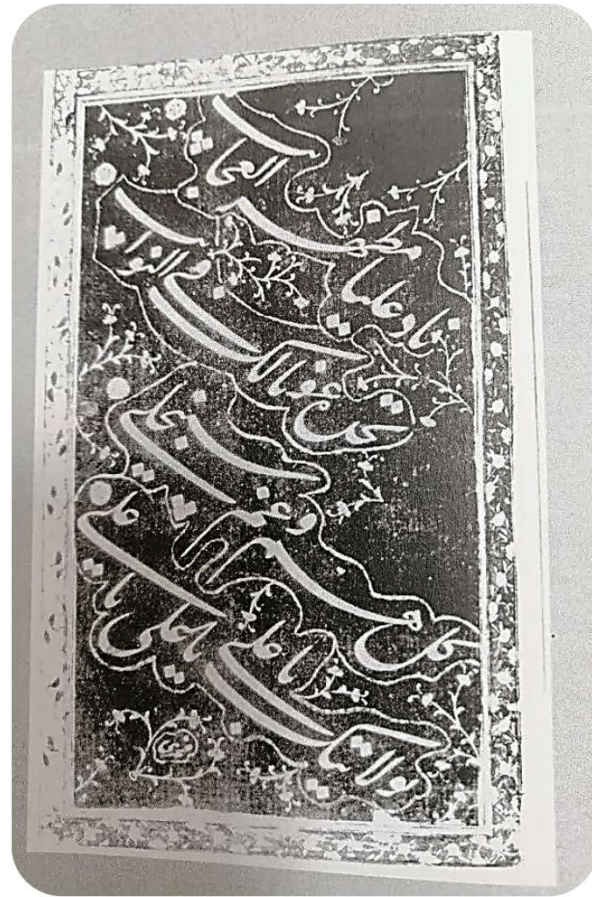
درنگارش نسخه های خطی حوزه فرهنگی ایران از نیمه اول قرن هشتم هجری قمری، خط نستعلیق _ ترکیب خط تعلیق با خط نسخ _ ظهور نمود که منحصر به کتابت نگاشته های فارسی نماند و کتاب های عربی همانند نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و غیر آنها نیز بعضا با خط زیبای نستعلیق به نگارش درآمد.

در نسخه شناسی نسخه های خطی که با خط نستعلیق کتابت شده اند، فهرست نگاران همانند خط نسخ، قید « دوره کهن » (از نخستین سال های قرن هشتم تا اواخر همان قرن که خط مزبور در هیئتی ناقص و نازیبا، بدون بافت و کرسی صحیح نوشته می شده است) و « دوره جدید » (بعد از بیان قواعد خط نستعلیق توسط میرعلی تبریزی در اواخر قرن هشتم هـ ق) را متذکر می شوند.

خط نستعلیق از اوایل قرن نهم هجری در میان نسخه نویسان عثمانی و شبه قاره هند رواج یافت. اما به مرور ایام و بعد از رحلت مهاجران ایرانی، کاتبان محلی، شیوه خاص خود را با الهام از نستعلیق ایران به نمایش گذاردند که اندکی متفاوت با شیوه نستعلیق ایران بود و به همین جهت برای معرفی نسخه هایی که در ممالک غیر ایران به خط نستعلیق نوشته شده است، فهرست نگاران انتساب خط را به جغرافیای محل کتابت بیان می کنند.

خط

• نستعلیق:



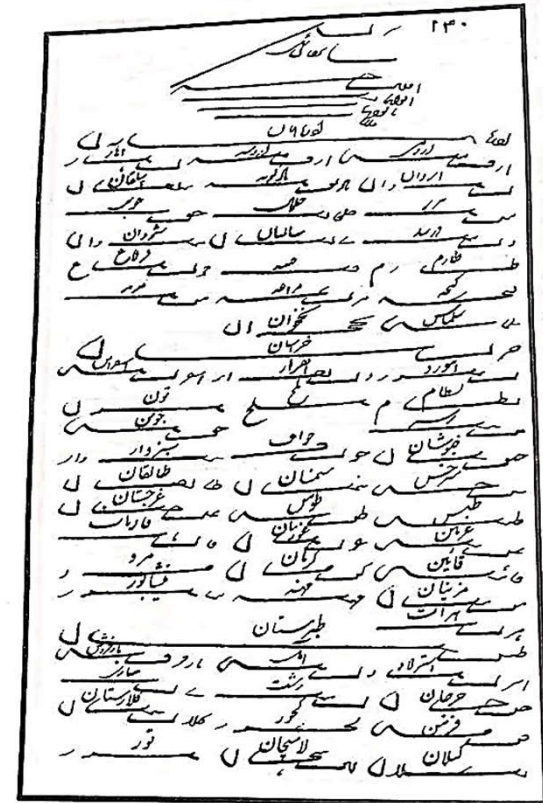
شکسته نستعلیق و سیاق

- در حدود نیمه اول قرن یازدهم هجری قمری، برای نگارش آثار ادبی و مکاتیب، خط شکسته نستعلیق جایگزین شکسته تعلیق گردید. در ادامه، مشاهیری چون محمدشفیع حسینی معروف به شفیعا و مرتضی قلیخان شاملو قواعد آن را تبیین نمودند و میرزااحسن کرمانی و عبدالمجید درویش (م. ۱۱۸۵ هـ.ق) بر رونق و زیبایی آن افزودند.
- فهرست نگاران برای بیان کیفیت و درجه خط شکسته نستعلیق تا اندازه ای همانند خط نسخ و نستعلیق عمل کرده اند. بعدها در دوره های متأخر، برای محاسبات دیوانی، اسناد و دفاتر دخل و خرج، شیوه دیگری مورد استفاده قرار گرفت که به خط سیاق (سیاقت) معروف شد. کاتبان خط سیاق برای اعداد و کلمات، علائم اختصاری وضع کردند که خواندن آن برای بسیاری آسان نبود.

شکسته نستعلیق و سیاق



شکسته نستعلیق



سیاق

کتاب آرایه (انواع آرایه ها در نسخه خطی)

- **تذهیب:** کتاب آرایان و تذهیب کاران انواع مختلفی از آرایه ها را در نسخه های خطی هنری به کار می بردند که رایج ترین آنها عبارتند از:

۱. شمشه

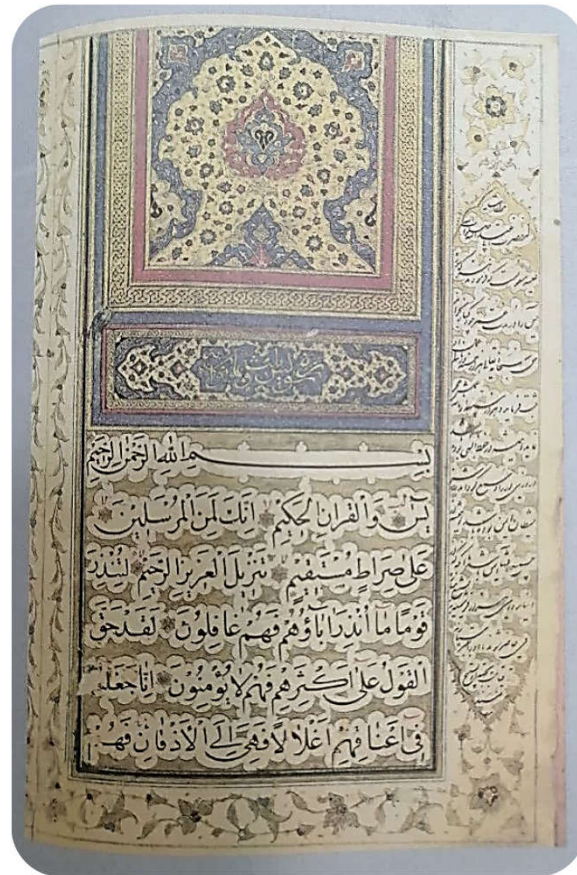
طرحی تزئینی است به شکل دایره یا چندضلعی که خطوطی مانند شعاع نور خورشید از اطراف آن پراکنده می شود. گاهی در وسط شمشه نام کتاب و مؤلف آن یا نام مالک کتاب یا نام حاکم و دیوان سفارش دهنده به خط رقاع و به قلم رنگین یا زر و سفیداب نوشته می شود.



کتاب آرای (انواع آرایه ها در نسخه خطی)

۲. سرلوحه (سرلوح)

شکلی هندسی است شبیه به محراب و ایوان که با خطوط منظم هندسی یا گل و برگ در اشکال مختلف به زر و رنگ های متنوع دیگر تزیین شده است. برخی از سرلوح ها به شکل سرترنج است که از دو طرف گسترده می شود و سرترنج در طرفین دارد.



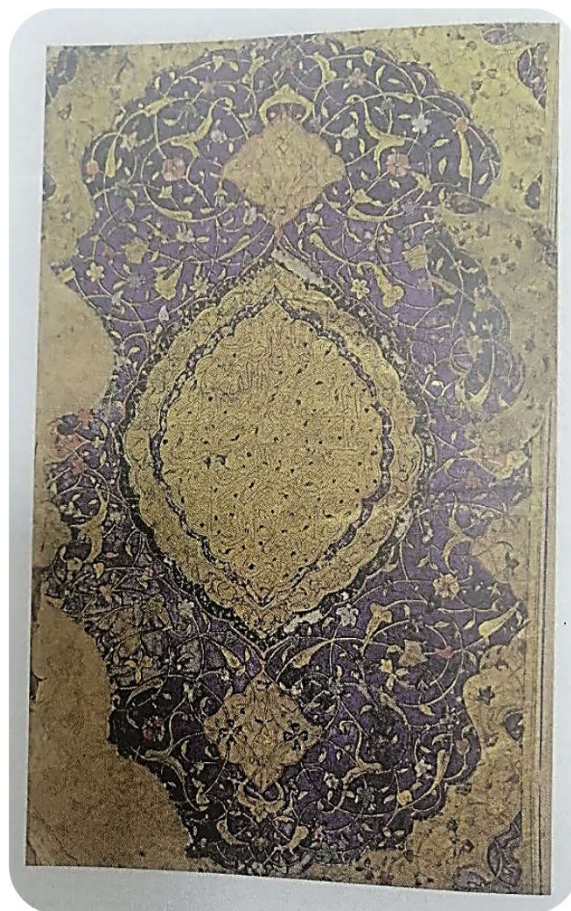
کتاب آرای (انواع آرایه ها در نسخه خطی)

۳. کتبه

شکل مستطیل مذهب و مرصع است که معمولا زیر سر لوح و متصل به آن افزوده شده و داخل آن به زر یا سفیداب جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» یا عنوان کتاب نوشته شده است.

۴. ترنج و سرترنج

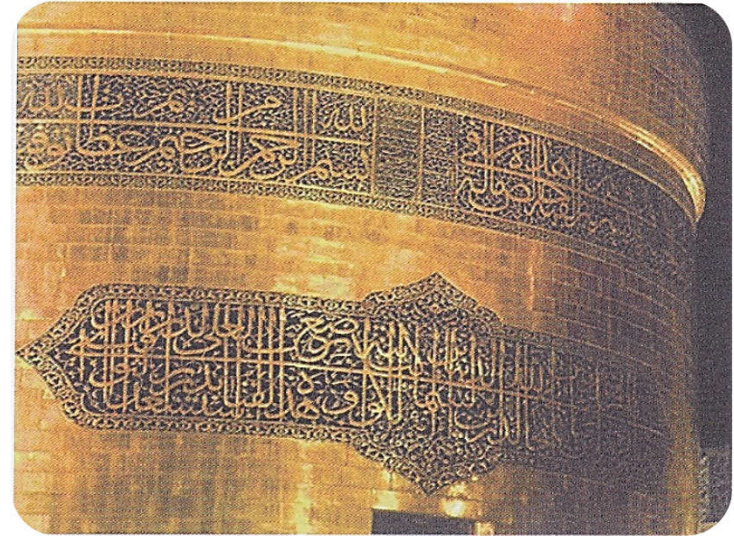
طرحی است مذهب و گاهی مرصع و معمولا لوزی یا بادامی شکل که متشکل از چهارلچکی به صورت قرینه و گاه یک نیمه ترنج است که از طرف دیگر برگردان می شود. غالبا در وسط زمینه قرار می گرفته و داخل آن با گل و برگ و طرح های اسلیمی یا تصاویری از حیوان و انسان پر می شده است.



کتاب آرای (انواع آرایه ها در نسخه خطی)

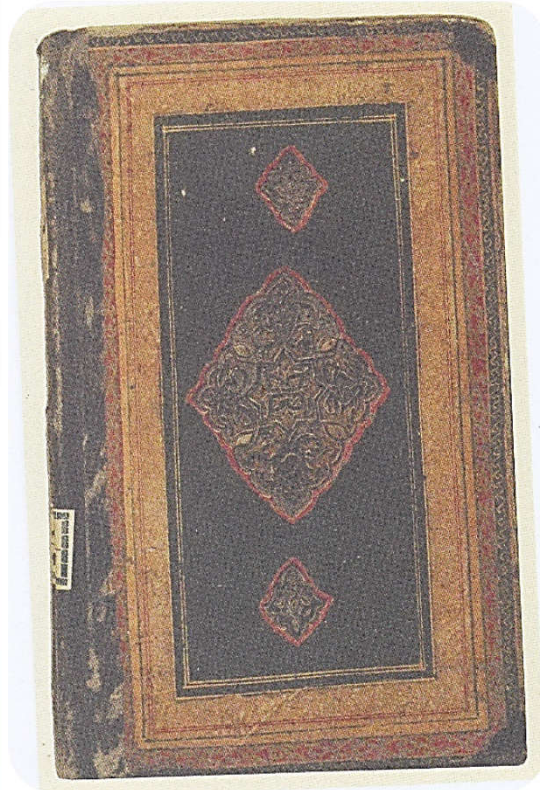


ترنج بازوبندی

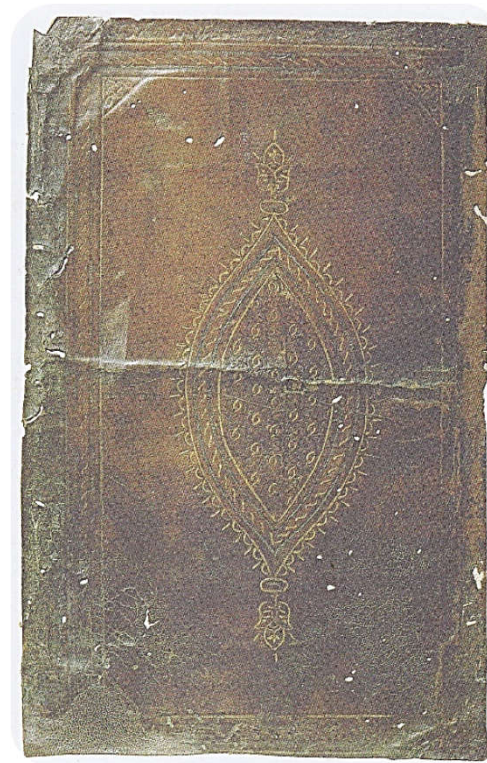


کتیبه بازوبندی

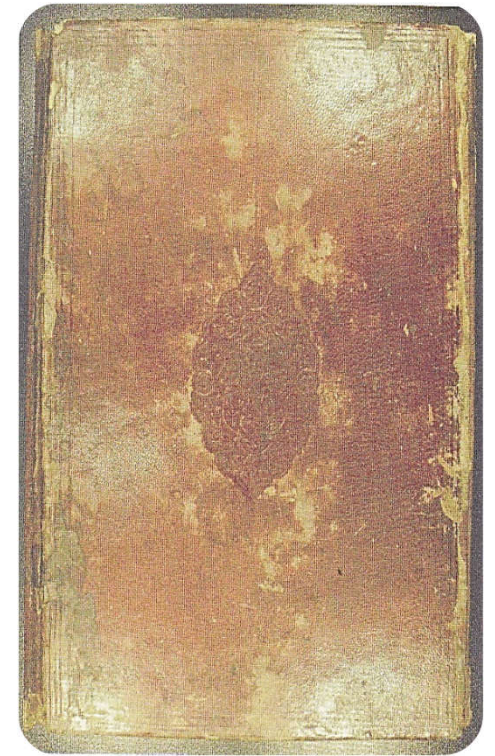
کتاب آرایه (انواع آرایه ها در نسخه خطی)



ترنج چلیپایی



ترنج بیضی شکل

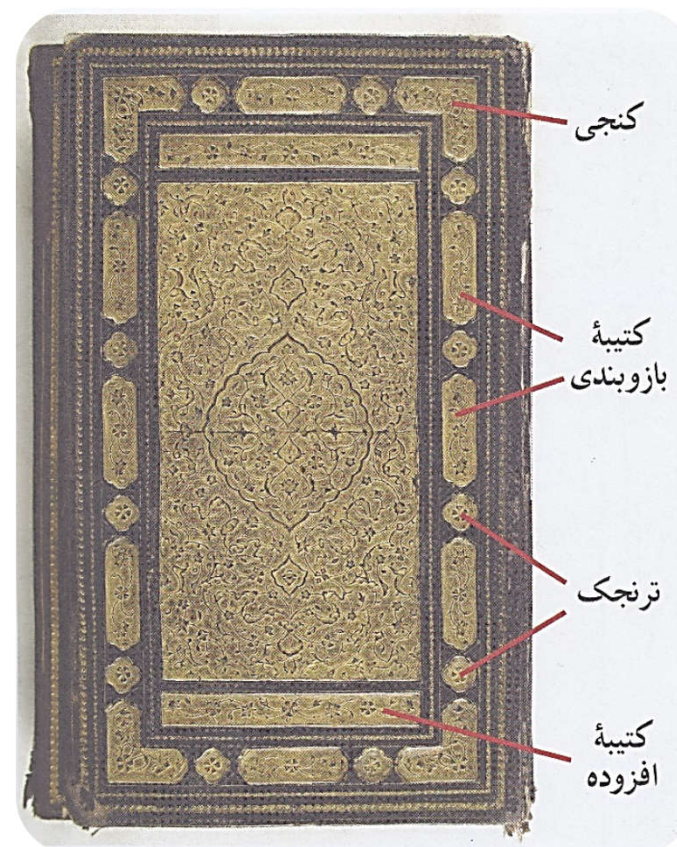
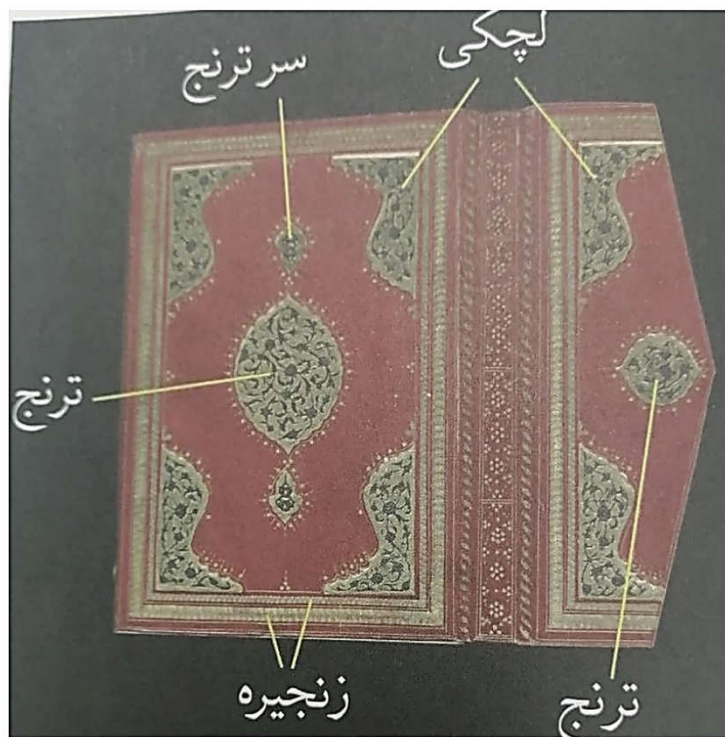


ترنج بی سر ترنج

کتاب آرای (انواع آرایه ها در نسخه خطی)

۵. لچکی

گاهی در چهارگوشه صفحه دارای ترنج، یک چهارم ترنج رسم می شود که به آن «لچک ترنج» یا «گوشه و کنج» گفته می شود.



کتاب آرای (انواع آرایه ها در نسخه خطی)

۶. ختایی

از جمله نقش های اساسی هنرهای تزیینی ایرانی است که از ترکیب گل، غنچه و برگ های خارج از شکل طبیعی پدید می آید و هر گردش موزون آن را یک «بند» می خوانند. زمانی که بندها_ که ملهم از شاخه های ظریف گیاهان اند_آماده و کامل شدند، با گل و برگ هایی که در طبیعت قرینه دارد(همانند برگ عباسی، گل عباسی، پیچک، غنچه، نیلوفر، ساق و برگ مو، خوشه انگور، بوته ترمه جقه ، نخل و انجیر و غیره) آنها را تکمیل می کنند.

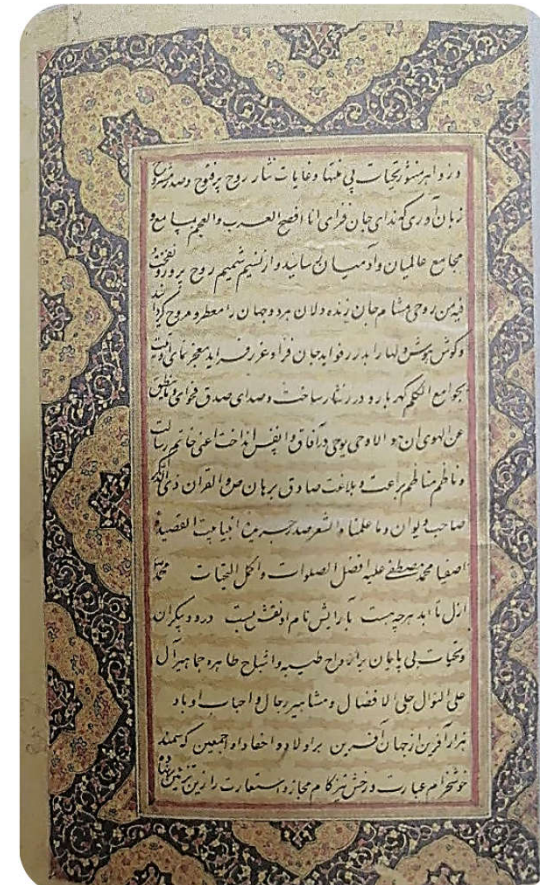
۷. طلائندی بین سطور

در برخی از نسخه های تزیینی میان سطور دو صفحه اول یا تمام صفحات کتاب طلائندی می شود، به طوری که تمام قسمت های خالی بین سطور زربوش و گاهی کناره زمینه مذکور با تحریک مشکی محصور می شود.

کتاب آرایه (انواع آرایه ها در نسخه خطی)



ختایی

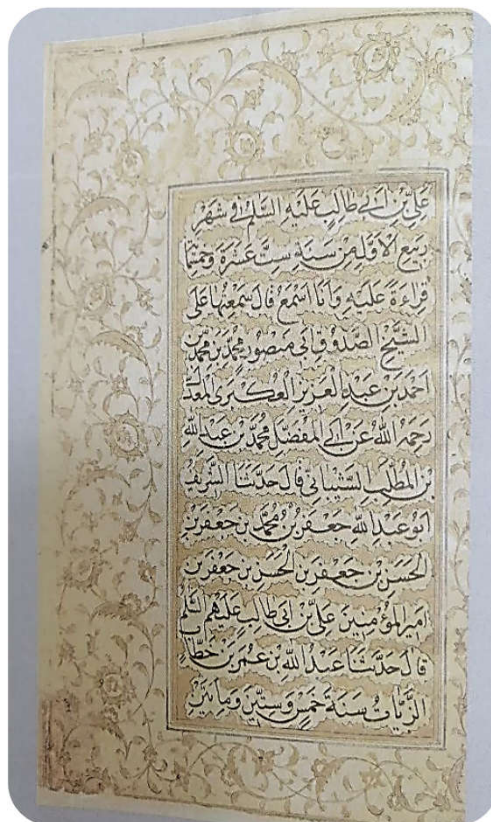


طلاندازی بین سطور

کتاب آرای (انواع آرایه ها در نسخه خطی)

۸. تذهیب

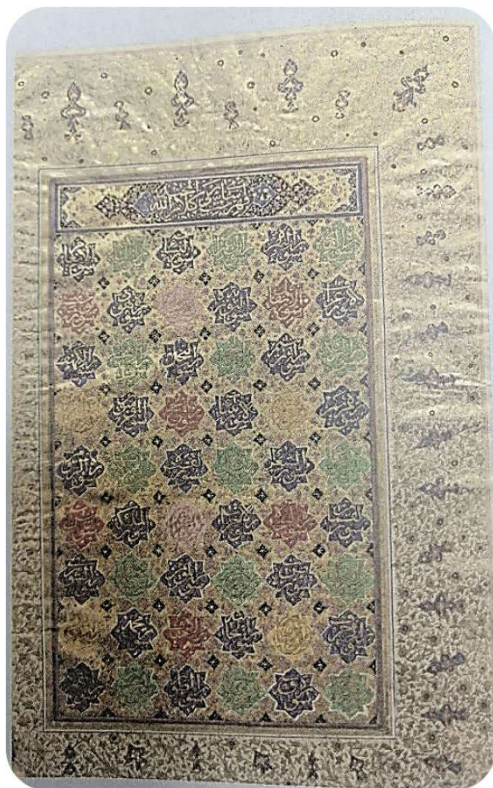
نقوش منظم هندسی و نقش مایه های انتزاعی گیاهی همچون اسلیمی و ختایی و گرفت و گیر و گل و مرغ است که با خط تحریر مشکی و آب طلا در زمینه لاجورد یا زمینه کاغذ (بدون رنگ) تزیین شده باشد.



کتاب آرای (انواع آرایه ها در نسخه خطی)

۹. تشعیر

نقوش درهم و نازکی است شامل خطوط اسلیمی، ختای و شکارگاه با آب طلا و گاه با رنگ های دیگر اما با قلم گیری زرین و با نظم و ترتیب دقیق و ظریف. در تشعیر، طراحی مناظر طبیعی، ساقه، گل و برگ و حیوانات و گاه به طور خیالی طرح های سیمرغ و اژدها و غیره را با تحریرهای بسیار ظریف طلا یا در رنگ های دیگر به وجود می آورند.



کاغذ و انواع آن در نسخ خطی

فهرست های نسخ خطی عمدتاً رنگ کاغذ و ضخامت آن را مدنظر دارند.

• کاغذ سمرقندی

کاغذی است ضخیم و مستحکم با بافتی منسجم و صاف. این کاغذ حدوداً از قرن سوم و چهارم تا قرن نهم و دهم هجری رواج داشته و عمدتاً به رنگ نخودی است.

• کاغذ شامی

کاغذی است که در منطقه شام ساخته می شد و کاغذی است ضخیم، مستحکم (با ضخامت کمتر از سمرقندی)، شفاف و صیقلی.

• کاغذ خانبالغ

این کاغذ در خانبالغ (پکن) تولید می شده و کاغذی است محکم و ضخیم، اما بافت آن چندان یک دست و منسجم نیست و بیشتر به رنگ حنایی مشاهده شده است.

کاغذ و انواع آن در نسخ خطی

• کاغذ سیالکوتی

از قرن نهم هجری به بعد در هندوستان ساخته می شده و نسخه های خطی فارسی معمولی که در آن منطقه کتابت شده عمدتاً بر روی این کاغذ استنساخ شده است. از ویژگی های این کاغذ تردی و شکنندگی آن است و عموماً به رنگ نخودی تیره و آهار مهره شده است.

• کاغذ اصفهانی (سپاهانی)

این کاغذ در دوران صفوی و قاجار در اصفهان ساخته می شده و از ضخامت چندانی برخوردار نیست. در بافت آن ناصافی و ناهماهنگی مشاهده می شود و چون کاغذ مرغوبی نبوده عمدتاً آهارمهر می شده و برای استفاده در کتاب های درسی و معمولی به کار می رفته است.

• کاغذ فرنگی

از قرن یازدهم هـ (هفده م.) به بعد کاغذهای ماشینی و کارخانه ای توسط اروپاییان تولید و به منطقه ایران و هندوستان فرستاده می شده و صنعت کاغذهای دست ساز در این مناطق از رونق افتاد ، به نحوی که در ایران از دوران صفویه کاغذخانه ها بی رونق شدند.

از ویژگی کاغذ فرنگی آن است که چون آن را در معرض نور قرار می دهیم ، خطوط موازی یا نقوش و اشکال هندسی یا نشانه هایی از مهرهای افشاری_ که برخی از این مهرهای برجسته افشاری به زبان روسی است _ یا حروف بزرگ لاتین دیده می شود که درون کاغذ با ماشین تعبیه شده است.

کاغذ و انواع آن در نسخ خطی

• کاغذ پوستی

از پوست حیوانات و عمدتاً پوست آهو یا گوسفند تهیه می‌شد و ضخامت آن کم و نسبتاً نازک بود. از ویژگی‌های بارز این نوع کاغذ استحکام و یکپارچگی، یک تکه بودن تمام ورق و صدای خاصی است که هنگام ورق زدن پوست به گوش می‌رسد.

جلد و انواع آن در نسخ خطی

بهترین ملاک تقسیم بندی جلد، ماهیت و جنس آن است که به طور کلی به شش نوع اولیه تقسیم می شود؛ اگرچه برخی از آنها به اقسام فرعی تر قابل تقسیم اند.

۱. چوبی

این گونه جلدها از چوب های نسبتا نازکی ساخته و روی آن لاک یا رنگ یا روغن کشیده می شد که بیشتر در جلدهای مصاحف شریفه دیده شده است.

۲. مقوایی

شامل جلدهایی از جنس مقوا ساخته می شد و عموما جلدسازان روکش های مختلف مانند چرم، پارچه یا رنگ روغن جهت دوام بر آن استوار می ساختند.

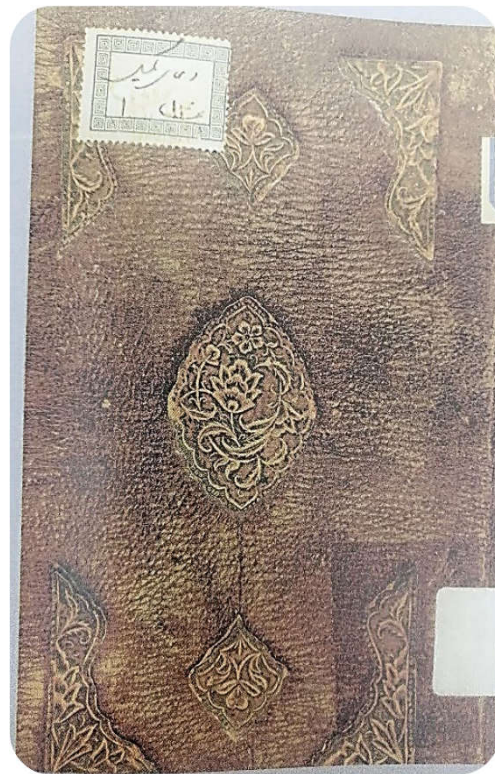
جلد و انواع آن در نسخ خطی

۳. چرم

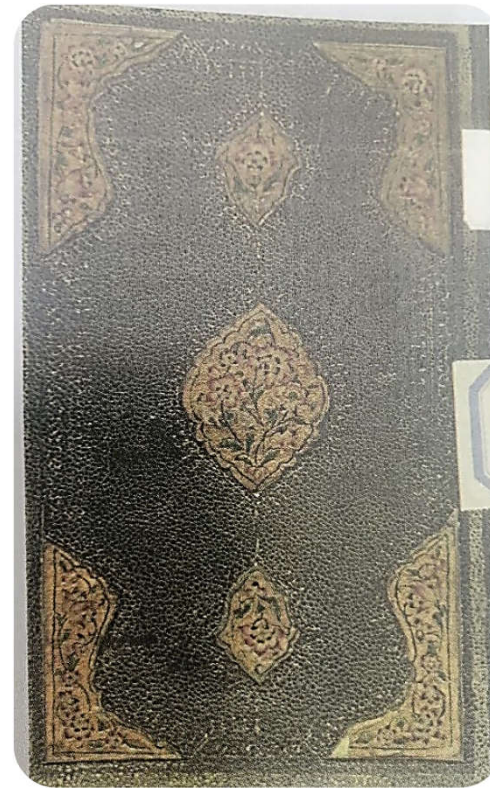
چرم عنوانی نسبتاً کلی است برای جلدهایی که از پوست دباغی شده حیوانات ساخته می‌شد و شامل اقسام زیر است:

- **الف- تیماج:** تیماج پوست بز دباغی شده است که به لحاظ فراوانی از دیگر چرم‌ها در جلد سازی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.
- **ب- میشن یا میشین:** برخی جلدسازان به ندرت از پوست دباغی شده «میش» (گوسفند) جلد کتاب می‌ساختند که بسیار نرم و لطیف است و به آن میشن می‌گویند. به همین علت گاهی لبه‌های دور بدنه این گونه جلدها را با روکش تیماج محکم می‌ساختند.
- **ج- ساغری:** جلدهای بسیار با دوام و مستحکمی که از چرم دباغی شده کفل چهارپایان خصوصاً الاغ و استر ساخته می‌شده و دارای برجستگی‌های دانه مانند نسبتاً درشت است.

جلد و انواع آن در نسخ خطی



جلد چرم



جلد ساغری

جلد و انواع آن در نسخ خطی

۴. پارچه

- بعضی جلدسازان دوره صفوی به بعد برای روکش جلدهایی مقوایی از پارچه های ساده و غیر آن استفاده می کردند و برخی از آنها برای استحکام بیشتر، عطف و گوشه های آن را به وسیله چرم استوار می نمودند. جلد های پارچه ای بر حسب جنس و نوع پارچه به اقسام زیر تقسیم می شوند:

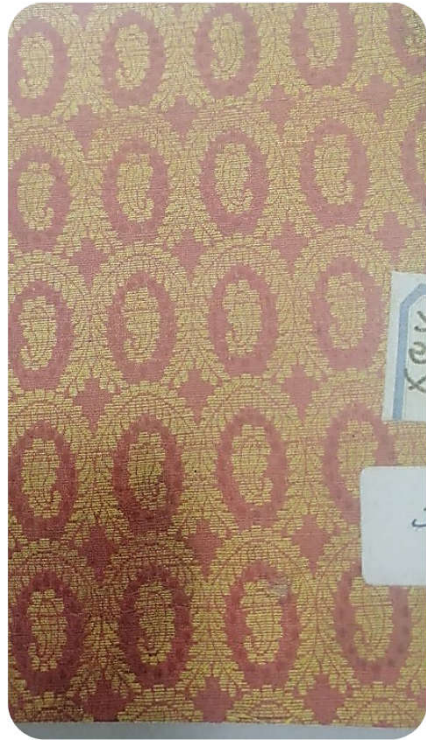
الف) جلد زری

ب) جلد مخملی

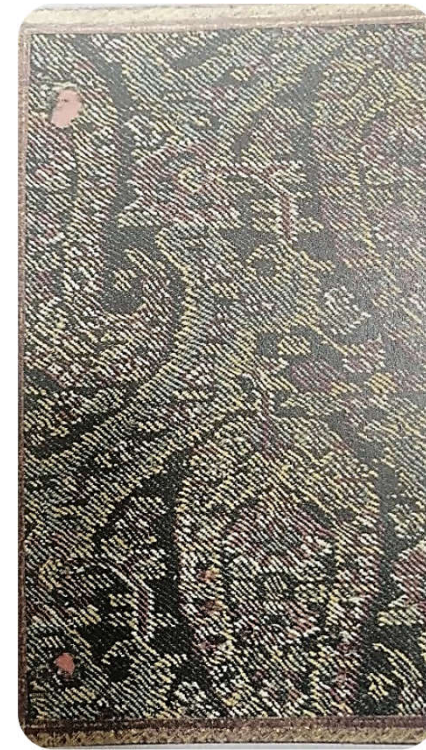
ج) جلد قلمکار

د) جلد ترمه

جلد و انواع آن در نسخ خطی



جلد زری باف



جلد پارچه ترمه

با تشکر و سپاس

گردآورنده:

دکتر زهرا علیزاده پیرجندی